

به واسطه ضرورت مدیریت بحرانی که در کشور به دلایلی به وجود آمده است، رهبر معظم انقلاب آنها را بررسی و سند چشم انداز ۲۰ ساله را ارائه نمودند. در این سند، یک افق شفاف‌تر از کلیات اصول قانون اساسی دیده می‌شود که ایشان به جامعه ارائه کرده‌اند. به این نیت که مجموعه‌نبروها و مردمی که در کشور هستند، امکانات خودشان را به کار گیرند و برای نهایی شدن و عملی کردن محورهای آن در کشور بسیج شوند. در سایر کشورها نیز چنین طرح‌هایی اجرا می‌شود. البته قانون اساسی ما اهداف بلندمدت را مطرح می‌کند؛ اما این که به صورت چشم انداز آینده طراحی شده باشد، چندان پشتوانه تجربی نداشته و ندارد. در دوران ما بر اثر ماهیت تحولات بنیادینی که رخ می‌دهد، آسیب‌هایی مطرح است. این آسیب‌هایی می‌تواند در آرگانیک نبودن روابط و روح حاکم بر قوا و نهادهای کشور رخ نماید. راه حل این آسیب‌ها پاک کردن صورت مسئله نیست؛ بلکه با بدافق‌های بلندمدت ترسیم و کوشش شود که الزامات تحقق این مسائل هم در قوا به وجود آید و راهی نیز جز این وجود ندارد.

به دلایلی برخی از ناپسامانی‌های اوایل جنگ و ندانم کاری‌های نظام برنامه‌ریزی در کشور در پایان یک دوره ۲۵ ساله، مردم ایران به لحاظ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، تجلی شعارهای انقلاب را در وضع موجود خودشان نمی‌بینند. البته این با استقلال سیاسی که ما داریم متفاوت است. هر نظامی از جمله نظام سیاسی ما، می‌تواند با همدلی و مشارکت توده‌های مردم، راه خودش را ادامه دهد. رهبری در طراحی این چشم انداز یک افق نسبتاً ملموس و واقعی را نشان داده‌اند. اگر الزامات این سند فراهم شود و همه کارشان را خوب انجام دهند، قطعاً کشور ساخته خواهد شد. مقام معظم رهبری با این طرحی که برای جامعه تبیین کردند، در واقع به این مطلب تأکید کردند که کشور ما برای رسیدن به چنین وضعی که زندگی قابل قبولی را منتسب به یک نظام سیاسی دینی داشته باشد و از دیگران عقب‌افتاده نباشیم و حتی در مواردی جلو باشیم، امکانات لازم را دارد. لذا باید خودباوری و در پای خود

گفت‌وگو

چشم‌انداز

فانوس دریایی است؛ ماسر نشین قایق

گفت و گو از: مهت الاسلام سیدعبدالحمید اشکوری - عماد، ا... رفیعی آگانی

اشاره

چشم‌انداز ۲۰ ساله و سند تنظیم شده آن بر اساس چه نیازها و ویژگی‌هایی تنظیم یافته است؟ آیا چنین سندی قابل اجرا خواهد بود و گذر از مرز آرمان تا واقعیت در آن محقق خواهد شد؟ نقش اقتصاد و معیشت کنونی مردم چگونه با این سند سازگار می‌شود؟ پرسش‌های این چنینی را دکتر سبحانی، استاد دانشگاه، کارشناس اقتصاد، محقق و نویسنده ده‌ها کتاب و مقاله علمی پاسخ می‌دهد.



رهبری خواسته است یک کشوری که با نظام سیاسی دینی و با نام اسلام شروع به کار کرده است ۲۰ سال آینده در منطقه‌ای که خودش در آن زندگی می‌کند و کشورهای خیلی توسعه یافته نیز در این منطقه نیستند، از آنها کمتر نباشد

در جامعه توسعه یافته که به این دستاوردهای مادی می‌رسد، نباید بی‌عدالتی وجود داشته باشد

شائبه حضور گروه‌های سیاسی پاک کند - چه در مجلس و چه در دولت - لذا آنچه به عنوان گام اول رسیدن به این چشم‌انداز مطرح شد، نه در فضای عقلانی، منطقی و علمی؛ بلکه در فضایی به شدت سیاسی بررسی شد، و شما سرانجام امور را هم ملاحظه می‌کنید. البته کاش این اتفاق نمی‌فتاد. مشکلات کنونی هم ناشی از آن شرایط زمانی است. اگر فرض کنیم که یک دوران عقلانی و آرام را شروع کرده‌ایم، رسانه‌ها و مسئولان کشور باید به نسبت درکی که از این سند دارند، در فعال کردن آن برای مردم بکوشند.

از جامعه‌ای که ممکن است در آن دهها نیر و گاه و سد و پروژه مهم در حال تحقق باشد؛ اما مردم آن مشکل معیشتی دارند، نباید انتظار فراوان داشت. بسیاری از توده‌های مردم، ذهنشان درگیر تأمین نیازهای اولیه روزانه‌شان است. شما ملاحظه بفرمایید که اعلام کوبن قند، شکر و یا روغن نباتی در ذهنیت مردم نمود بیشتری زرد یا اعلام افتتاح یک سسد یا پیگیری اهداف یک چشم‌انداز بلندمدت؟ سبب این کاستی، مردم نیستند. نظامی که در برنامه‌ریزی‌هایش توده مردم را آن قدر درگیر مشکلات معیشتی خود کرده که اصلاً فرصت اندیشه کردن و یا مهم دیدن برخی از مسائل بلند مدت کشور را ندارد، نباید از ملت انتظار بلند نظری و آینده‌نگری داشته باشد. باید همان گونه که رهبر انقلاب بارها بر آن تأکید کرده‌اند، در مقام نخست، مشکل معیشت مردم را حل کرد.

چشم‌انداز، یک فانوس دریایی است و به سرنشین قایق در اجتماع که ما هستیم، می‌گوید باید آن مسیر را بروی تا به ساحل امن برسی. چون فاصله زیاد است و در جهانی که پیوسته در حال تحول است و کشورهای عمده دیگری هم هستند و ما نمی‌دانیم چگونه برنامه‌ریزی کنیم تا به آنها برسیم، باید درست حرکت کنیم. امروزه هر کسی در جهت ارتقاء خودش کار می‌کند و فاصله آن‌ها با ما بسیار زیاد است؛ از این رو چندان مشخص نیست که آیا سند توسعه در این ۴ تا ۵ سال، زمینه‌های نایل شدن به پله‌های دوم و سوم را فراهم می‌کند یا نه؟

گام‌های اولیه باید برداشته شود، آن هم در جهت بهبود اقتصادمان. کشور ما منابع ارزشمندی دارد و مردم ما هم می‌خواهند تلاش کنند. مسائل مان را هم خودمان می‌دانیم، یعنی مشکلمان را می‌شناسیم؛ اما متأسفانه آدمی که ما را با امکانات موجود به سمت هدف ببرد، نداریم. ممکن است بگوییم ۲۵ سال، گذشته است، چه کار کردیم؟ باید گفته شود نیروی متخصص تربیت نکرده‌ایم و به همین سبب، در این زمینه موفق نبوده‌ایم. باید در این مسیر، شیوه‌مان را اصلاح کنیم. هیچ وقت برای جبران گذشته، دیر نیست.

یستادن را - مثل دفاع از آن در جنگ - تجربه کنیم تا با نایل شدن نسبی به اهداف مطرح شده، هم در عمل از نظام سیاسی اسلام که ساختارهای حکومتی این کشور را شکل می‌دهد دفاع کنیم و هم آن را به عنوان الگو معرفی نماییم.

رهبری خواسته است کشوری که با نظام سیاسی دینی و با نام اسلام شروع به کار کرده، به لحاظ دستاوردهای مادی در ۲۰ سال آینده در منطقه خودش که کشورهایی چندین تا چندین تنگه‌های نیز در آن نیستند، از دیگران کمتر نباشد. این، هدفی مقدس و شدنی است. و افزون بر آن، در جامعه اینچنینی که به این دستاورد مادی می‌رسد، بی‌عدالتی در آن وجود نداشته باشد. کسی که این جامعه را نگاه می‌کند، بتواند بگوید این جامعه‌ای است که می‌توان در آن، همه یا بخشی از توصیفات ر که در تئوری به نام جامعه دینی می‌خوانیم، ببینیم. هدف رهبری و جوهره پیام‌شان این است. بزرگ‌ترین چالش ما اینجاست که وقتی وارد می‌شویم، ببینیم چگونه عمل کنیم تا به این اهداف برسیم. این فقط در اختیار یک سیستم برنامه ریزی قرار می‌گیرد که در این سیستم، برنامه‌ریزان لزوماً نمی‌دانند، با بلد نیستند که چگونه از این برنامه استفاده کنند. ضمن این که به رشد دامن زده می‌شود، بی‌عدالتی از درونش بیرون نیاید. در این باره باید جهت‌گیری نظام آموزشی، به سمت تربیت متخصصانی باشد که به گونه‌ای در اقتصاد برنامه‌ریزی کنند که اجرای آن، رافع فقر باشد؛ نه این که با اجرای این مدل و برنامه‌ریزی اقتصادی، تولید بیشتر شود و فقر از درون آن به وجود آید. این مشکل وجود دارد؛ البته مشکل چشم‌انداز نیست؛ بلکه مشکل اجرائیات و مجریان است.

مجریان، توسعه را عبارت از تغییرات در دیدگاه‌های مردم به مسائل و نگاهشان به امور زندگی می‌بینند، البته بعد از آنکه اندازه یا سطح تولید به لحاظ کمی در آنجا بالا رفته باشد. بعضی دیگر، معتقدند که توسعه، جریان بسیار آرام و مستمری است که طی آن، درآمد سرانه افزایش می‌یابد. یعنی درآمد سرانه کم‌تر نشده و در عین حال توزیع درآمد بدتر نمی‌شود. گر این تعاریف را از توسعه بگیریم، جامعه‌ای که در آن تولید سرانه افزایش یافته و در عین حال شکاف درآمدی بیشتر شده است، ممکن است مشمول این قضیه نباشد. در کشورهای پیشرفته دیگر هم، هر چند ممکن است انواع بد فقر وجود داشته باشد ولی فقر، چهره غالب زندگی نیست. باید گفت چون در تدوین برنامه چهارم تعجیل شده بود، رهبری با درایت تمام آن نکات را در جای خودش مطرح فرمودند تا این اشکالات هم پیش نیاید. متأسفانه نظام برنامه‌ریزی و سیستم تخصیص منابع ما نتوانست آن طور که انتظار می‌رفت، دامان خودش را از